

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتزی سدوف

برگردان از: ا. م. شیری

۳۰ می ۲۰۱۲

چه کسانی به تحریکات در حوالا نیاز داشتند؟

توضیح مترجم:

از زمانی که حدود بیش از یک سال پیش حوادث سوریه آغاز شده، امپریالیسم خبری سعی می کند همه آنچه را که در این کشور اتفاق می افتد، به عنوان «بحران سوریه» معرفی نماید. اما واقعیتها از آن حکایت می کنند که اتفاقات سوریه که اکنون به لبنان هم تسری یافته است، یک بحران داخلی نیست. شکی نیست که امروز سوریه با بحران، آنهم بحران داخلی مواجه نیست. سوریه درگیر جنگ است و آنهم نه جنگ داخلی، بلکه، یک جنگ استعماری مثل همه جنگهای استعماری به خصوص دو دهه اخیر که یک طرف این جنگ، دولت و مردم سوریه و طرف دیگر آن، کشورهای امپریالیستی غرب، مجموعه مرتجع ترین کشورهای عربی از جمله، عربستان سعودی، قطر، امارات عربی متحده و غیره و گروههای تروریستی دست آموز غرب مثل القاعده و اخوان المسلمین می باشند. منتها ارتجاع امپریالیستی پس از رسوائی و فضاحت لشکر کشی نظامی- تروریستی به افغانستان و عراق، متد استفاده از ارتش متشکل از مزدوران بومی و غیربومی و تروریستهای حرفه را در پیش گرفت. هم از این رو، در جنگ استعماری علیه سوریه نیز درست مثل لیبیا، این رویکرد شناخته شده را به کار بست. در انفجارات، قصابی مردم در شهر و روستاهای سوریه، همه و همه نشان از متد شناخته شده تروریستهای ناتو و ارتشهای مزدور غرب دارند که در کشورهای دیگر نیز به کار بست اند.

با این وجود، کشاندن بحث و گفت و گوها بر سر مسائل غیرواقعی مثل دیکتاتوری و دموکراسی، حقوق بشر و این یا آن مسأله، در بهترین حالت، چیزی جز سفسطه بازی و خلط مبحث نیست.

امروز هر کسی و یا هر جریان فکری باید با صراحت و روشنی کامل، موضع خود را در قبال جنگها و لشکرکشیهای استعماری امپریالیسم جهانی و صهیونسم بین الملل اعلام کند و جایگاه خود را یا در کنار اوپاما، مک کین، لیبرمن، نتانیا هو، اولاند (سارکوزی «فقید»)، کامرون و دیگر تروریستهای حرفه ئی همتای آنها و یا در کنار

مردم و دولتهای کشورهای که از سیاستهای استعماری بانک جهانی، انبار (صندوق) بین المللی پول و دیگر انبارهای پولی- مالی امپریالیسم مشخص نماید.

چه کسانی به تحریکات در حولا نیاز داشتند؟

جنایت هولناک ۲۶ ماه می در سوریه بار دیگر دنیا را تکان داد. شهر کوچک سنی نشین حولا گویا مورد حمله توپخانه ئی و تانکها قرار گرفت و در نتیجه آن در حدود صد نفر غیر نظامی، از جمله، ۳۵ کودک کشته شدند. وقوع جنایت در حولا به بحثها در محافل سیاسی جهان در این باره که با سوریه چه باید کرد، جان تازه ای بخشید. در همه حال، به نظر می رسد، این بحث به سود دولت سوریه تمام نخواهد شد، زیرا خود دولت را به انجام این جنایت متهم می کنند. دبیر کل سازمان ملل متحد، بان کی مون و کوفی عنان، همتای سابق او و نماینده ویژه سازمان ملل متحد در سوریه، بیانیه مشترکی بدین شرح صادر کردند: «این جنایت هولناک و بیرحمانه ناشی از استفاده بی رویه از قدرت، تخلف آشکار از قوانین بین المللی و تعهدات دولت سوریه مبنی بر عدم کاربرد تسلیحات سنگین و عدم توسل به خشونت در تمام اشکال آن در مناطق مسکونی می باشد».

این واقعیت است که پس از آن، هر دو سیاستمدار همه طرفهای درگیر را به امتناع از کاربرد سلاحهای سنگین فراخواندند.

سخنگوی کاخ سفید و اشنینگتن اعلام کرد که، این حمله، «تأییدی قطعی بر عدم مشروعیت رژیم بود که اعتراضات سیاسی مسالمت آمیز را با چنین روش غیرانسانی پاسخ می دهد». وزیر خارجه فرانسه، لوران فابیوس حمله به شهر حولا را به شدت محکوم کرد و قول داد که جلسه دیدار گروه «دوستان سوریه» را فراخواند. این گروه، از نمایندگان امریکا، انگلیس، فرانسه و اتحادیه دولتهای عربی مخالف قطعی دولت بشار اسد تشکیل یافته است. در کنفرانس اوایل ماه اپریل در استامبول، «دوستان سوریه» شورای ملی سوریه را به عنوان تنها نماینده قانونی خلق سوریه به رسمت شناختند. شورای ملی سوریه از شورای امنیت ملل متحد خواست تحقیقات درباره کشتار جمعی در شهر حولا را آغاز کند، جلسه شورای امنیت را فوراً فراخواند و درجه مسؤولیت سازمان ملل متحد (!) را در پرتو این قتل عام تعیین نماید».

از روز ۱۲ ماه اپریل، میان «ارتش آزاد سوریه» و نیروهای مسلح دولتی آتش بس اعلام شده است. در برنامه حل و فصل بحران سوریه، پایبندی دولت و اوپوزیسیون به یکسری تعهدات، از جمله، پایان دادن همه طرفها به خشونت‌های مسلحانه تحت نظارت مؤثر مکانیسم ویژه سازمان ملل متحد، ارائه کمکهای انساندوستانه به آسیب دیدگان و شروع گفت و گوی سیاسی بین سوری ها در نظر گرفته شده است. ولی در ۲۶ ماه می «ارتش» شورشی «آزاد سوریه» اعلام کرد که به تعهدات خود مبنی بر رعایت آتش بس عمل نخواهد کرد، زیرا، «این امر دست دولت را در کشتار غیرنظامیان، ویران کردن شهرها و روستاها باز می گذارد». البته، شورشیان این موضوع را پس از دیدار با سناتورهای امریکائی، جون مک کین و جوزوف لیبرمن اعلام کردند.

هر دو سناتور به طور ناکهانی به منطقه مرزی ترکیه سفر کرده و در آنجا با فرماندهان «ارتش آزاد سوریه» مصطفی الشیخ و ریاض اسد دیدار کردند. مک کین و لیبرمن با متهم ساختن دمشق به خشونت علیه مردم سوریه، تسلیح آشکار مخالفان سوریه را خواستار شدند و در یک بیانیه مطبوعاتی تأکید کردند که: «یگانه راه برای تغییر

این دینامیسم- کمک به مخالفان سوریه برای تغییر تعادل نظامی در شهرها می باشد. این به معنی ارائه همه کمکهای غیرکشنده است که وعده داده شده است. و در عین حال، این به معنی اتخاذ تدابیری برای هر چه فراتر رفتن است». در بخش دیگری، سناتورهای خواهان «تحویل ابزار دفاع از خود به جنگجویان و استفاده از قدرت هوایی خارجی برای حراست از پایگاههای آنها» شدند. مک کین و لیبرمن قبل از سفر به منطقه مرزی با برهان هالیون، رئیس شورای ملی سوریه و عبدالله گل، رئیس جمهور ترکیه دیدار کردند.

اتفاقاً همزمان با حمله تروریستی ۲۶ ماه می ابتکار جدید دولت باراک اوباما علنی شد. واشینگتن اینک قصد دارد «نسخه یمن»- طرح تحویل مرحله ای قدرت از بشار اسد به مخالفان را به مسکو پیشنهاد کند. ابتداء اسد، باید همچون همتای یمنی او، رئیس جمهور علی عبدالله صالح، از مقام خود به نفع یک مهرة توافقی (مثلا، نخست وزیر) که بتواند با حمایت خارجی اسماً به عنوان «رهبر دوره گذار» انتخاب بشود و با مخالفان گفت و گو کند، کناره گیری نماید. باراک اوباما این ایده را در دیدار جی ۸ در کمپ دیوید، با دمیتری مدودف در میان گذاشت و اینک واشینگتن بدون این که نظر سوریهها پرسیده شود، خود را برای اجرای آن آماده می کند.

بدین ترتیب، حمله تروریستی ۲۶ ماه می بهانه ای شد برای شروع دور جدید فعالیتهای ضدسوری. در همین حال، در اظهار نظرات پیرامون این جنایت به سر در گمی ها و تناقضات دامن زده می شود. به نظر می رسد کسانی که نتوانستند خشم خود را کنترل نمایند، دمشق را متهم می کنند. روبرت موود، سرکرده گروه ناظران سازمان ملل متحد هم با رعایت جانب احتیاط اشاره کرد که هنوز نمی توان از متهم اصلی با اطمینان نام برد.

سناریوی استفاده از سلاحهای سنگین خیلی بی پایه به نظر می رسد. نه خبرنگاران، نه ناظران سازمان ملل متحد و نه تروریستهای جنگجو که همه حادثه را فیلم برداری کرده اند، وجود سلاحهای سنگین در اطراف حولا را تأیید نکرده اند. همه مسأله این است که آنها پوکه های خالی گلوله های توپ را درست در مناطق مسکونی پیدا کرده اند. در مقابل، شواهد بسیار زیادی در دست است که از زخم گلوله بر روی اجساد، از جمله تیراندازی از پشت، حتی به کودکان حکایت می کنند.

برای مقابله با شواهد موجود، اینها نسخه دیگری را مطرح کردند که گویا طرفداران رژیم شبانه به حولا یورش بردند و مردم را قتل عام کردند. چرا در حولا و برای چه، به ویژه، این شهر را مجازات کردند، هنوز توضیحی نیندیشده اند. در عوض، ناظران بسیاری این مسأله را مورد توجه قرار داده اند که برهان غلیون، رئیس شورای ملی سوریه استعفاء کرد. او و گروه طرفدار او شورای ملی سوریه را به خاطر تسلط «اخوان المسلمین» ترک کردند. اما سؤال این است که آیا ممکن است، برهان غلیون، این کهنه پارسی آن قاطعیت را در خود سراغ نداشت که متدهای هر چه خشن تر تحریکات خونین، آخرین رویه ای را که اوپوزیسیون سوریه در پیش گرفته، به کار گیرد؟ دقیقاً اوپوزیسیون، به عبارت دقیق تر، باندهای مسلح شورشی بودند که سایه مرگ را بر سر کشورشان گسترانیدند. هنوز صدای انفجارهای مهیب دمشق که آشکارا به دست اوپوزیسیون به وقوع پیوست و از سوی واشینگتن تقبیح نشد، به گوش می رسد.

قتل عام انسانهای مطلقاً بیگناه در حولا فقط می تواند کار آن کسانی باشد که با عبور از پشته های کشته ها، برای سرنگونی دولت قانونی در دمشق خیز برداشته اند.

<http://www.fondsk.ru/news/2012/05/27/komu-nuzhna-provokacija-v-hule.html>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/05/29>

۹ خرداد [جوزا] ۱۳۹۱